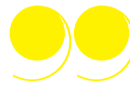


اکنون مدت‌هاست شاهد حضور مردانی در فضای مجازی هستیم که بخشی از تولید محتوایشان به هویت پدری‌شان اختصاص پیدا کرده است



نگاهی به برنامه «شیوه»

روز شنبه ۸ بهمن مناظره زنده‌ای با موضوع «سیاستگذاری حوزه زنان» در برنامه شیوه برگزار شد که میهمانان آن معاون فعلی امور زنان و خانواده، انسبیه خزعلی و معاون سابق، معصومه ابتکار بودند. این برنامه بازخوردهای زیادی داشت که در ادامه نگاه دو نفر از کارشناسان را در این خصوص می‌خوانیم.

به هر دم پخته‌تر از شیوه تو

زهرا داوریپناه
عضو هیأت علمی پژوهشکده زن و خانواده



پرداختند. ایشان با وجود اختلافات جدی در مبنا و ارزشیابی از وضعیت کنونی و وضع مطلوب، قادر به گفت‌وگو و حتی تأیید برخی آرای یکدیگر بودند؛ اتفاقی که در مناظره اخیر نیفتاد.

میهمانان جوان می‌دانستند در پی چه هستند و می‌توانستند آن را متمایز از دیگری تصویر کنند. مطلوب ایشان در عین تفاوت‌های جدی، آینده‌ای بهتر برای زنان واقعی و جامعه ایرانی بود. حال آنکه در برنامه اخیر جز تفاوت‌ها و شعارهای همیشگی نظر متمایزی نشنیدیم و امید و رنج زنان واقعی چندان بازگو نشد. دو میهمان جوان با جدیت، یکدیگر را نقد کردند ولی احساس خصومت، دل‌سردی نمی‌آفرید. با این همه این اتفاق امیدبخش ظهور شیوه‌های صحیح در عرصه مسائل زنان است؛ شیوه‌ای که جوانان نامسئول از هر جریان فکری را حرفه‌ای‌تر و متخصص‌تر از مسئولان سنتی و تجربی پرورانده است؛ شیوه‌ای که حوزویان را آشنا با مسائل روز و نوآندیشان را اهل مطالعه در سنت می‌سازد.

البته از فهم علمی و تحلیل حرفه‌ای تا رسیدن به نظریات ایجابی و راهکارهای اثربخش، مسیری طولانی در پیش است ولی فاصله کیفی دو مناظره ما را به طی این مرحله در سال‌های آینده بویژه در صورت گشودگی حاکمیت به روی دانشمندان و متخصصان جوان، بیشتر امیدوار می‌کند.

شیوه در دو قسمت اخیر به مسائل زنان پرداخته است. مناظره آخر مابین سرکار خانم دکتر ابتکار و سرکار خانم دکتر خزعلی واکنش‌های سیاسی معمولی از دو جناح سیاسی قدیمی در پی داشت ولی در میان متخصصان و حتی حلقه‌های کنشگران سیاسی‌تر مطالعات زنان و دغدغه‌مندان خانواده، تقریباً از هیچ جهت شوری برنیانگیزخت. حتی بسیاری از پژوهشگران اظهار داشتند که شوق و رغبتی به دیدن آن نداشته‌اند و حدس می‌زنند چه گفته و شنیده خواهد شد.

در مقابل این دو بانوی پرسابقه و صاحب‌منصب، در برنامه اسبق شیوه شاهد حضور دو متخصص دهه شصتی مطالعات زنان، خانم دکتر نصر اصفهانی و آقای دکتر دهقان بودیم. میان آن مناظره تا این برنامه، تفاوت از زمین تا آسمان بود. این دو میهمان نیز به دو جریان فکری مقابل و حتی متضاد تعلق داشتند، یکی مرد و دیگری زن، یکی ظاهراً مدرن و دیگری ظاهراً سنتی بود؛ با این همه به وضوح از دو کارشناس مسئول، تخصصی‌تر و علمی‌تر به بحث

کدام سیاستگذاری؟ کدام زنان؟

عاصمه قاسمی
عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی



علاقه‌مندان حوزه زنان قابل توجه نیست بلکه بسیاری از زنان در سطح عموم جامعه را نیز مشتاق می‌کند تا با شنیدن صحبت‌های آنها ابهام‌های خود را رفع کنند و بر باورهای خود نسبت به آنچه نظام جمهوری اسلامی در این سال‌ها در حوزه زنان انجام داده است، مهر تأیید بزنند.

با وجود این در مناظره اخیر سوالاتی از این دست در ذهن مخاطبان بی‌پاسخ ماند: راهبرد محوری حوزه زنان در این دولت و در دولت قبل چه بوده است؟ دال مرکزی گفتمان دولت‌ها در موضوع زنان چه بوده است؟ آیا صرف بیان مصادیقی از اقدامات انجام شده نشان می‌دهد که معاونت زنان در طول این سال‌ها راهبرد مشخصی داشته و بر اساس آن در جنبه‌های مختلف زندگی زنان سیاستگذاری کرده است؟ آیا دولت‌ها توانسته‌اند با راهبردهای صحیح تمام طبقه‌ها، قشرها و گروه‌های زنان ایران را در زیر چتر سیاستگذاری‌های خود قرار دهند؟ یا چه تعریفی از «زنان» سیاستگذاری‌ها انجام شده است؟ منظور از زنان کدام زنان است؟

به نظر می‌رسد آنچه برای نسل آگاه امروز مهم است، شفافیت است و این حلقه مفقوده چنین گفت‌وگوهایی است. با بیان صریح نقشه راه همراه با سیاست‌های دقیق حوزه زنان، برای نسلی که در آینده سکندار این مسیر است، می‌توان شاهد افزایش امید اجتماعی باشیم.

آنچه از یک برنامه گفت‌وگومحوری مانند برنامه شیوه توقع می‌رود آن است که حداقل در سطح نخبگان و متخصصان بتواند موضوع برنامه را از دیدگاه‌های مختلف تبیین و تحلیل کند. مخاطبان این برنامه عمدتاً افراد ناآشنا با موضوع برنامه نیستند، بیشتر بینندگان برنامه را کسانی تشکیل می‌دهند که در زمینه موضوع برنامه اطلاعات داشته و اگر هم در آن موضوع تحصیل یا تحقیق نکرده باشند، حداقل علاقه‌مند و آشنا با مباحث موضوع مطرح شده هستند.

علاوه بر این حوادث و رویدادهای چندماهه اخیر اگرچه ابعاد مختلفی داشت لیکن به جهاتی زنان ایران و برخی از ابعاد زندگی آنان را هم برای خود زنان و هم در سطوح مختلف سیاستگذاری و اجرا برجسته و پررنگ کرد. در این میان ابهاماتی هم برای برخی زنان جامعه و بخصوص دختران جوان ایجاد شد که واقعاً در حوزه زنان در این دهه‌ها چه انجام شده است؟ از این جهت برنامه تلویزیونی گفت‌وگومحور علمی با موضوع سیاستگذاری زنان آن هم توسط دو صاحب‌مسند، طبعاً دیگر تنها برای متخصصان و



پدری‌رسانه‌ای شده؛ گشایشی در باب پدرانگی

بررسی تصویر پدری در شبکه‌های اجتماعی

شیمیا فرزادمنش
دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی
دانشگاه علامه طباطبائی



که هویتشان را با پدری و همسری بر ساخته‌کنند. میدان مردان کار است و شغل و معاش و این دقیقاً نتیجه‌ای است که می‌توان با گشتی در زیست‌جهان‌های مردان به آن رسید؛ در صحبت‌هایشان، در دورهمی‌های دوستانه و خانوادگی، در فضای واقعی و همچنین فضای مجازی. بالعکس زنان در این گفتمان نه تنها در فراغت و زمان‌های تفریح بلکه حتی در محیط‌های کاری با دغدغه‌های مادری و همسری شناخته شده و در هر وضعیتی خانه و خانواده میدان اصلی زندگی‌شان محسوب می‌شود.

اما فضای مجازی مجالی به پدران بخشیده که پدرانگی را از امری نامرئی به پدیده‌ای رؤیت‌پذیر بدل کرده و با استفاده از تصویر و نوشتار، دلمشغولی‌ها، ترس‌ها، علائق، آرزوها و عاشقانه‌های خود با فرزندان‌شان را با مخاطبان به اشتراک بگذارند. بررسی پست‌هایی که به مفهوم پدرانگی در این فضا پرداخته‌اند نشان می‌دهد که عمده مضامین بازنمایی شده توسط مردان متمرکز بر اموری همچون وقت‌گذرانی و بازی با کودکان در خانه، همراهی با کودکان و نوجوانان برای گردش و تفریح در خارج از خانه، تصویر لحظاتی عاطفی در کنار

رسانه‌ای شدن زندگی روزمره، پای بسیاری از امور و پدیده‌ها را به فضای مجازی باز کرده است. حضور مردان در فضای مجازی در ابتدا حول همان پدیده‌هایی شکل گرفت که در فضای واقعی وجود داشت؛ تولید محتوا در باب شغل، درآمد، سیاست، اقتصاد و البته طنز. مدت‌ها طول کشید تا مردان هم از فضای مجازی برای صحبت در باب حوزه خصوصی و احوال شخصی استفاده کنند و با استفاده از ظرفیت‌های عرصه‌ای که مرز میان خصوصی و عمومی را مخدوش کرده بود، به بازنمایی و جوهری از هویت خویش بپردازند که تا پیش از آن پنهان مانده بود. لذا پیش‌تر در میان مردان بلاگر به‌ندرت مردی که خرده سلبریتی حوزه سبک زندگی باشد پیدا می‌شد اما اکنون مدت‌هاست شاهد حضور مردانی در فضای مجازی هستیم که بخشی از تولید محتوایشان به هویت پدری‌شان اختصاص پیدا کرده و با استقبال بسیاری هم روبه‌رو می‌شوند.

پدری و پدرانگی مفهومی سهل و ممتنع است؛ همان قدر که نزدیک و ملموس و آشنا به نظر می‌آید، مهجور و غریب است. پدری همواره در سایه مادری و دوگانه مادر/پدر مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در گفتمان سنتی به طور معمول پدری و نقش‌های خانوادگی میدان اصلی برای مردان محسوب نمی‌شود و مردان لزومی نمی‌بینند



جور دیگر باید دید!

لزوم بازنگری در نقش و انتظارات مردان در تناسب با الگوی سوم زنان

زهرا سادات رضوی علوی

دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی



یکی از مسائلی که امروزه خود پدیدآورنده مسائل متعدد دیگری برای زنان است نادیده گرفتن نقش مردان در پیوند با آنان است. در یک نگاه نظام‌مند زن و مرد هر کدام جزئی هستند که حقوق و تکالیف خود را دارند اما این اجزا در نسبت با هم عمل می‌کنند و تغییر در یکی باعث تغییر در کل نظام می‌گردد. اگر تغییر در یک جز سایر اجزا را تغییر ندهد آن نظم از حال تعادل خارج می‌شود. دقیقاً اتفاقی که درباره زنان رخ داده است همین است؛ نگاه جزءنگر و تک‌بعدی به زن بدون آنکه زن را در پیوند با مرد در

خانواده و جامعه ببیند و همچنین تصمیم‌گیری برای زن در خانواده و اجتماع منفک از مردان که باعث تحمیل بار مضاعفی بر زنان شده است. نگاه مترقی انقلاب اسلامی، زن را پویا و فعال می‌بیند که نسبت به اجتماع مسئولیت دارد و همچنان که محور خانواده است، در جامعه نیز مؤثر است اما مسأله جدی از جایی آغاز می‌شود که الگوی سوم زن برای زنان به سبک زندگی بدل می‌شود ولی مردان یا آن را نمی‌شناسند و با نگاه سنتی به زن می‌نگرند و یا در حالت بدتر از انگاره‌های ذهنی درباره زن سنتی دست نکشیده و زن مؤثر و اجتماعی را به فهمشان از زن سنتی الصاق و بنابراین مفهوم جدیدی از زنانگی خلق می‌کنند. مفهومی که زن را به زن خانه‌دار تمام‌وقت و شاداب و در عین حال

که جامعه در باور سنتی خود به آنها تحمیل می‌کند از دوششان برداشته شود. در این صورت آبرزن بودن که حاصل کج‌فهمی از الگوی سوم است تبدیل می‌شود به زیست متعادل برای زن و مرد.

راه‌حل این مسأله توجه به مردان است؛ بنابراین مرد باید به‌عنوان یک فرد در کنار زن و با او نظم زندگی جدید و متعادل را بسازد. در این قالب جدید مرد، محور نیست که همه امور با خواست و برای رفع نیاز مرد تطبیق پیدا کند بلکه محور، اساس خانواده و اساس حرکت اجتماعی دینی است وزن و مرد به گونه‌ای متعادل و با در نظر گرفتن رسالت و مسئولیتشان به سمت هدف حرکت می‌کنند؛ لذا در نظام انتظارات و «تکالیف» مرد نسبت به زن در خانواده و جامعه باید بازنگری صورت گیرد.

مادرشاغل مؤثر بدل می‌کند که همه امور را روی انگشتش می‌چرخاند و اگر گلایه کند یا خسته شود یعنی زن نیست!

اینجاست که ضرورت گفت‌وگو درباره مردان در نسبت با زن انقلاب اسلامی فهم می‌شود. منظور از گفت‌وگو درباره مردان این نیست که پژوهشگاه‌ها عنوان یا موضوع جدیدی برای پژوهش و نظریه‌پردازی پیدا کنند و سال‌ها در اتاق‌های بسته مردانه تولید محتوا کنند بلکه باید به‌دنبال فهم‌شدگی الگوی سوم زنان برای تمام جامعه بویژه مردان بود. مردان اگر بتوانند الزامات و نیازهای الگوی سوم زن را درک کنند و از رهگذر فهم صحیح آن به پیوند میان زن با خانواده و مرد بپردازند آنگاه می‌توان امید داشت که زنان در برابر مشکلات و مسائلشان تنها نباشند و بار مضاعفی